

مطالعه کیفی نقش خانواده در تأخیر ازدواج دختران در آستانه مجرد قطعی

حسین اکبری

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد h-akbari@um.ac.ir

الهه غفاریان مبهوت

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

محمود تیموری

دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی نقش خانواده در تأخیر ازدواج دختران در آستانه مجرد قطعی است، روش پژوهش حاضر روش کیفی است و داده‌های کیفی به روش نمونه‌گیری کیفی هدفمند و نیز معیار اشباع نظری و با استفاده از تکنیک مصاحبه روایی در میان ۱۵ دختر در آستانه مجرد قطعی شهر مشهد گردآوری شده است. بررسی چهار مرحله از زندگی دختران یعنی دوره کودکی، نوجوانی، در سن ازدواج و در آستانه مجرد، نشان داد که "ضعف شبکه تعاملاتی خانواده" مانند انزوای اجتماعی خانواده، درون‌گرا بودن خانواده، اختلال رابطه‌ای با شبکه خویشاوندی؛ "فرهنگ سنتی خانواده" مانند توجیه ناپذیری روابط دختر و پسر خانواده، نگرش سنتی به ازدواج در خانواده، جلوگیری از ازدواج خواهر کوچکتر به دلیل عدم ازدواج خواهر بزرگتر و مردسالار بودن خانواده به عنوان شروط زمینه‌ای، "عدم ارتباط عاطفی موثر بین والدین با دختران"؛ "دخاله خانواده در تصمیم‌گیری" و "تحت‌تأثیر خانواده بودن" از یک سو و "داشتن آزادی عمل در تصمیم‌گیری از طرف خانواده" از سوی دیگر بعنوان شروط تعاملاتی در تأخیر ازدواج در بیشتر مراحل مورد بررسی دارای نقش اساسی هستند. همچنین "شرایط اقتصادی و مالی خانواده" و "عدم رفتار مناسب خانواده با خواستگار" به عنوان شروط تشدیدکننده و "داشتن جایگزین عاطفی در خانواده" و "وجود تجربیات ناخوشایند در خانواده" مانند طلاق خواهر به عنوان شروط تسهیل‌کننده تأخیر در سن ازدواج و آستانه مجرد ایفای نقش می‌کنند.

واژگان کلیدی: تأخیر در ازدواج، مجرد، خانواده، شروط موثر، مشهد

بیان مساله

ازدواج به عنوان یکی از رویدادهای مهم و حیاتی در زندگی روزمره افراد جامعه می‌باشد و از جنبه‌های مختلف می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد. یکی از این زوایا سن شروع و به اصطلاح وارد شدن به ازدواج است (آزاد ارمکی ۱۳۸۶: ۹۹). تغییراتی در الگوی ازدواج در جوامع توسعه‌یافته و به دنبال آن در دهه‌های اخیر در جوامع در حال توسعه رخ داده که حاکی از این است که ازدواج در مرحله گذار از الگوهای سنتی به سمت الگوهای مدرن است (ایران محبوب و مختاری ۱۳۸۵). در سال‌های اخیر، پدیده ازدواج که منشاء وقوع ولادت و باروری، و به عنوان عامل بسیار موثر بر ساخت سنی و جنسی جمعیت و افزایش آن محسوب می‌شود، در کشور ما دستخوش تحولات قابل توجهی شده است. میانگین سن ازدواج دختران و پسران در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۲۲/۴ سال و ۲۵/۶ سال بوده است که در سال ۱۳۹۰ به ۲۳/۴ سال و ۲۶/۷ سال رسیده است. این امر موجب افزایش فاصله بلوغ و ازدواج در جوانان شده است (سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران ۱۳۹۰).



لازم به ذکر است یکی از عواملی که به صورت مستقیم تحت‌الشعاع این موضوع قرار می‌گیرد افزایش سن ازدواج یا به عبارتی تأخیر در سن ازدواج می‌باشد. بنابراین هرچه قدر سن ازدواج افزایش پیدا کند سن در آستانه تجرد و تجرد قطعی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان بیان کرد که علی‌رغم عمومیت بالای ازدواج به علت جایگاه اجتماعی، فرهنگی، سنتی و مذهبی ازدواج و خانواده در جامعه ایرانی، شواهد بر روند افزایش تجرد قطعی در مهر و موم‌های اخیر دلالت دارد. به طوری که تجرد قطعی در مردان و زنان به ترتیب از ۱/۱ و ۱/۲ در سال ۱۳۷۵ به ۱/۶ و ۳/۶ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته و در سال ۱۳۹۰ در مناطق شهری کل کشور به ترتیب در زنان و مردان به ۸/۰ و ۵/۰ درصد رسیده است (فراهانی خلیج آبادی فراهانی، کاظمی پور و رحیمی ۱۳۹۲).

جدول ۱. آمار افراد در سن آستانه تجرد و تجرد قطعی در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

مرحله	سکونت	سال	جنسیت	جمعیت در آستانه	جمعیت کل	درصد
در آستانه تجرد قطعی	شهری	۸۵	دختر	۳۷۵۴۷۰	۷۰۰۰۵۷۲	۵,۳
			پسر	۴۳۴۳۰۹	۸۹۴۷۷۲۰	۴,۸
		۹۰	دختر	۶۸۳۶۰۶	۶۸۱۷۹۳۶	۱۰
			پسر	۷۰۶۰۷۸	۸۶۶۱۴۵۵	۸,۱
	روستایی	۸۵	دختر	۱۹۱۹۰۴	۳۳۵۱۹۱۳	۵,۷
			پسر	۱۲۰۰۶۳	۴۱۶۳۰۲۰	۲,۸
		۹۰	دختر	۲۹۸۷۶۹	۲۶۵۷۲۰۶	۱۱,۲
			پسر	۱۷۰۵۶۱	۳۴۲۶۹۰۳	۴,۹
سن تجرد قطعی	شهری	۸۵	دختر	۴۱۱۲۸	۷۰۰۰۵۷۲	۰,۵۸
			پسر	۳۲۰۰۲	۸۹۴۷۷۲۰	۰,۳۵
		۹۰	دختر	۷۱۸۸۵	۶۸۱۷۹۳۶	۰,۱
			پسر	۵۱۲۰۱	۸۶۶۱۴۵۵	۰,۵۹
	روستایی	۸۵	دختر	۶۲۱۹۵	۳۳۵۱۹۱۳	۰,۳۶
			پسر	۱۱۴۰۱	۴۱۶۳۰۲۰	۰,۲۷
		۹۰	دختر	۱۷۷۳۰	۲۶۵۷۲۰۶	۰,۶۶
			پسر	۱۱۲۶۱	۳۴۲۶۹۰۳	۰,۳۲

منبع: مرکز آمار ایران

بالا رفتن سن ازدواج و تشکیل خانواده، آثار سوء فراوانی برای فرد و جامعه خواهد داشت. مهم‌ترین اثر آن از نظر جمعیت شناختی، ایجاد دگرگونی در الگوهای زاد و ولد است (عباسی شوازی ۲۰۰۰ به نقل از رضادوست و ممینی ۱۳۹۰: ۱۰۷). به تعویق افتادن سن ازدواج برای افراد می‌تواند باعث سرکوب شدن نیازهای جنسی، اقتصادی، عاطفی و فرهنگی شود (کاظمی پور ۱۳۸۳، کجباف و همکاران ۱۳۸۷: ۱۲۷) پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه بروز تجرد قطعی باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده شده و به دنبال این امر به طور طبیعی شاهد وجود نابسامانی‌هایی در سطح جامعه هستیم. نابسامانی‌هایی چون شیوع انواع فسادهای اجتماعی، بحران میل جنسی، فرار دختران و... (گنابلی و غفاری ۱۳۹۰: ۸)

زمان ازدواج و تشکیل خانواده متأثر از عوامل مختلفی می‌باشد. توسعه و نوسازی در دنیای امروزی با تغییر سریع و قابل توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد، باعث تغییر در زمان ازدواج و تأخیر آن شده است. فروپاشی و از هم گسستگی نظام‌های خانوادگی گسترده، جایگزین شدن اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی، تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از منزل، میزان آزادی در انتخاب همسر، عواملی هستند که در تأخیر ازدواج نقش به سزایی را ایفا می‌کنند (محمودیان ۱۳۸۳). از طرف دیگر زندگی اجتماعی و خانوادگی دختران و زنان از اثرات توسعه اقتصادی-اجتماعی بی‌نصیب نبوده است (گلدشتاین و کینی ۲۰۰۱ به نقل از کوششی و قربانی ۱۳۹۱: ۱۱۰)

برای بررسی دلایل و عوامل موثر بر تأخیر در ازدواج تحقیقات مختلفی در قالب سنجش وضعیت و عوامل موثر بر ازدواج (جعفری و چوبری ۱۳۸۵، قدسی و همکاران، ۱۳۸۶، کاظمی و نیازی ۱۳۸۹)، عوامل موثر بر سن ازدواج (کاظمی پور ۱۳۸۳، محمودیان ۱۳۸۵، آستین افشان و هزار جریبی ۱۳۸۸، کاظمی پور و توده فلاح ۱۳۸۹، ضرابی و مصطفوی ۱۳۹۰، کوششی و قربانی ۱۳۹۱، فراهانی و همکاران ۱۳۹۲، حسینی و گراوند ۱۳۹۳، جبرائیلی و همکاران ۱۳۹۳)، عوامل موثر بر افزایش سن ازدواج (مجدالدین و جمالی ۱۳۸۵، کنعانی ۱۳۸۵، نیک منش و کاظمی ۱۳۸۵، میرسندسی و قلعه سفیدی ۱۳۸۹، کتابی و غفاری ۱۳۹۰، رضا دوست و مبینی ۱۳۹۰، بحیرایی و حضرتی ۱۳۹۱، کلانتری و حسینی ۱۳۹۲، مرادی و صفاریان ۱۳۹۲ و فیروز و همکاران ۱۳۹۳) و عوامل موثر بر تجرد دختران (کجباف و همکاران ۱۳۸۷، نقدی و بالای ۱۳۸۹ و کرمی و پایی نژاد ۱۳۹۲) انجام شده است و تقریباً پژوهش مستقلی به بررسی نقش خانواده در تأخیر در ازدواج دختران پرداخته است و کمتر به نقش خانواده به عنوان بستر شکل‌گیری این نوع از نگرش‌ها و الگوهای رفتاری پرداخته شده است. لذا با توجه به مسائلی که ذکر گردید، پژوهش حاضر درصدد شناسایی نقش خانواده در تأخیر ازدواج دختران در آستانه تجرد قطعی است تا جایگاه این نهاد مهم اجتماعی در این فرایند بصورت برجسته تر مشخص گردد.

مبانی نظری تحقیق

نظریه‌های جامعه‌شناسی به‌عنوان نظریه‌های هنجاری در تحلیل افزایش سن ازدواج، به تبیین تغییرات حاصله در خانواده در زمینه ارزش‌ها، خواسته‌ها و انتظارات می‌پردازند. بر پایه نظریه نوسازی ویلیام جی گود، فرآیند جهانی نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی موجب تغییر در ساختار سنتی خانواده و توسعه خانواده‌های جدید از نوع اروپایی در سراسر جهان شده است. (چیل ۱۳۸۸: ۱۰۹). در این فرآیند نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی تغییر یافته و الزامات دوجانبه بین زوج‌ها و شبکه خویشاوندی وجود ندارد. نو مکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دوجانبه بین آن‌ها از نتایج سازگاری خانواده با شرایط زندگی مدرن است و زمانی که چنین سیستمی از خانواده شکل می‌گیرد و زنان نقش بیشتری در فعالیت‌های خارج از خانه می‌یابند، ما باید انتظار تغییر الگوی عمومی سن ازدواج را داشته باشیم (گود ۱۹۶۳ به نقل از کنعانی ۱۳۸۵: ۱۰۷؛ حسینی ۱۳۹۲: ۱۰۳). گسترش و همگانی شدن تحصیلات، یکی از راه‌آورد‌های مهم نوسازی است. تأثیر قدرتمند میزان تحصیلات بالا بر افزایش سن ازدواج (به‌ویژه برای زنان) یا مضیقه ازدواج در بین دختران است. (سگالن ۱۳۷۰ به نقل از فیروز و همکاران ۱۳۹۳: ۴۵۵) لکن بر اساس نظریه گود، تغییرات به وجود آمده در نهاد خانواده می‌تواند از عوامل تبیین‌کننده و اثرگذار در تأخیر ازدواج دختران باشد.

نظریه ارزش‌های فرامادی اینگلهارت بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی به نظم نوین به تغییراتی در سطوح مختلف و بین تمامی گروه‌ها منجر شده و این تغییرات به‌نوبه خود به دگرگونی‌هایی در ارزش‌ها، انتظارات و خواسته‌ها منتهی می‌شود (اینگلهارت ۱۳۸۲ به نقل از جبرائیلی و طاهری ۱۳۹۲) این عوامل در کنار یکدیگر ترجیح‌های و سلیقه افراد را به سمت ارزش‌های فردی نگر، آزادی و استقلال سوق می‌دهند و در نتیجه، به افزایش سن ازدواج منجر می‌شوند. بنابراین، طبق این نظریه افزایش تصاعدی استقلال عمل فرد در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی، اساس تغییرات صورت گرفته در تشکیل خانواده است. گسترش ارزش‌های فرامادی (نظیر توسعه شخصی و خودشکوفایی)، تردید نسبت به نهادها و افزایش عدم تحمل نسبت به دخالت افراد بیرونی (از هر منبع قدرت) در زندگی شخصی از جنبه‌های مختلف تحول در ارزش‌ها هستند که باعث می‌شوند فرد طبق اراده آزاد برای زندگی خود تصمیم بگیرد. بنابراین کاهش ازدواج و افزایش جایگزین‌هایی مانند هم‌خانگی را می‌توان نمود بازخورد غیر هم‌نوا و اعتراض علیه منابع قدرت و نیز شیوه‌ای برای آشکارسازی آزادی فردی در مقابل قراردادهای و عرف دانست (جبرائیلی و طاهری ۱۳۹۳).

رویکرد فمینیستی-مارکسیستی در تحلیل شرایط اقتصادی-ب ر قدرت مردان و زنان در پیوند ازدواج تأکید می‌ورزد و ازدواج را در چارچوب «نظریه بازی‌ها» بررسی می‌نماید. از این منظر، به تدریج با ایجاد شدن فرصت‌های شغلی بهتر و بیشتر برای زنان و استقلال اقتصادی آنان و نیز قوانین و برنامه‌های حمایتی از زنان، مادران و فرزندان‌شان، قدرت چانه‌زنی زنان نیز در ازدواج افزایش یافته و قدرت انتخاب تجرد را به آنان داده است. وجود این قدرت تاریخی مردان، انگیزه‌ای برای زنان برای ترک ازدواج شده است که کاهش رشد ازدواج‌ها را توجیه می‌نماید و این تحت شرایطی است که زنان به لحاظ اقتصادی از مردان مستقل شده باشند و سرسختی و سازش‌ناپذیری مردسالارانه همچنان در تضادهای خانوادگی وجود داشته باشد.

دیکسون^۱ (۱۹۷۱) بر سه متغیر دسترسی^۲، امکان^۳ و تمایل^۴ تأکید می‌ورزد و چنین می‌پندارد که این سه متغیر، اثرات ساختار اجتماعی بر الگوهای ازدواج را تعدیل می‌بخشند. طبق نظر دیکسون متغیر دسترسی به‌وسیله توازن نسبت سنی-جنسی افراد در سن ازدواج و روش‌های انتخاب همسر (تنظیم‌شده یا انتخاب آزاد) تعیین می‌شود وی اظهار می‌دارد جایی که عدم توازن جدی در نسبت سنی-جنسی جمعیت در سن ازدواج وجود دارد، برخی از ازدواج‌ها با تأخیر مواجه هستند و جایی که افراد جوان برای انتخاب همسر آزاد هستند، ازدواج‌ها نسبت به جایی که همسران از سوی والدین انتخاب می‌شوند، دیرتر اتفاق می‌افتد. متغیر «امکان»، مربوط به وضعیت اجتماعی و اقتصادی می‌شود که برای زوج‌های جوان جهت تشکیل خانواده ضروری است. همچنین در نواحی شهری به دلیل تأکید اساسی بر مسئولیت‌های فردی قبل از ازدواج، نیاز به توسعه و کسب مهارت‌ها و به دست آوردن تجربه برای اداره یک خانواده مستقل، ازدواجشان نسبت به نواحی روستایی به تأخیر می‌افتد. متغیر «تمایل» از سوی فشار اجتماعی که شامل پاداش اجتماعی از قبیل عشق و عاطفه، حمایت اقتصادی، حفظ اصل و نسب و احساس خوشی در سالخوردگی و مجازات اجتماعی از قبیل انزوای اجتماعی و ننگ و رسوایی به دلیل بی‌فرزندگی یا مجرد قطعی از یک سن معین به بالا برای ازدواج تعریف شده است (هزارجریبی و آستین فشان ۱۳۸۸).

یکی از تئوری‌های مهمی که می‌توان در تحلیل موانع ساختاری ازدواج، از آن استفاده نمود نظریه نظام اجتماعی پارسونز است. از این حیث ازدواج و تشکیل خانواده حاصل تعامل تمامی خرده نظام‌های جامعه با یکدیگر است چنانچه برای تحقق ازدواج، شغل (درآمد) و مسکن مناسب ضروری است. تحصیل (آموزش) و کسب تخصص نیز مقدمه لازم آن‌هاست. بنا بر نظر پارسونز تحولات فرهنگی اجتماعی به وجود آمده در جامعه و به‌خصوص نهاد خانواده، تغییر در برخی از کارکردها و جنبه‌های حمایتی این نهاد را به دنبال داشته و در برخی موارد منجر به تضعیف برخی از نقش‌های نیز گردیده است (مهردوی ۱۳۹۱). درحالی‌که بنا بر موارد ذکرشده دوران مجرد فرزندان با توجه به شرایط به وجود آمده افزایش یافته است و آن‌ها سال‌های بیشتری را برکنار والدین مبدأ می‌گذرانند.

از دیدگاه بلاو و دانکن^۵، فرزندان خانواده‌های بزرگ دارای امکانات و موفقیت‌های تحصیلی کمتری هستند و بنابراین موفقیت‌های شغلی ناچیز نیز به دست می‌آورند و در خانواده‌های ازهم‌پاشیده (بر اثر طلاق یا مرگ والدین) نیز به دلیل اینکه منابع مادی و عاطفی کاهش می‌یابند، فرزندان این خانواده‌ها، موفقیت‌های تحصیلی و شغلی محدودتری خواهند داشت (هلاکویی ۱۳۶۵: ۲۶۳ به نقل از مجدالدین ۱۳۸۶).

در دیدگاه گیدنز، تغییراتی که در جامعه مدرن اتفاق افتاده، باعث شده است برخی از ویژگی‌های ازدواج در جامعه سنتی، مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواج‌های فامیلی، چند زنی، قابلیت فرزند آوری، پایین بودن سن ازدواج، فاصله سنی زن و مرد، پدیده ازدواج مجدد و... تغییر کنند. بنا بر نظر گیدنز تغییرات به وجود آمده منجر به شکل‌گیری و پدید آمدن رابطه‌ای تحت عنوان «رابطه ناب» در روابط افراد و بالأخص افراد خانواده گردیده است. او معتقد است که شکل‌گیری رابطه ناب در نهایت موجب از بین رفتن پدرسالاری و آزادی بیشتر زنان در انتخاب شیوه زندگی شده است (گیدنز ۱۳۷۹: ۱۸۹). نظریه دیگری که برای تبیین تغییرات و اختلافات در سن ازدواج مورد استفاده قرار گرفته، نظریه مبادله اجتماعی^۶ است. در این نظریه عامل مهمی که باید مورد توجه قرار گیرند عبارت‌اند از: سود یا منفعت حاصل از ارتباطات بین فردی. بارتز و نای^۷ (۱۹۷۰) با کاربرد این نظریه در مورد ازدواج دو دسته علل تعیین‌کننده ازدواج را مشخص کردند. دسته اول، آن‌هایی هستند که موجب می‌شوند ازدواج برای فرد رضایت بیشتری را نسبت به مجرد ماندن تأمین کند و دسته دوم آن‌هایی هستند که موجب می‌شوند ازدواج در میان بسیاری از جایگزین‌های نامطلوب برای فرد کمتر نامطلوب باشد. آن‌ها با بررسی ۲۳ قضیه مرتبط با عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با ازدواج یک قضیه نظری عام مطرح کردند به این صورت که «هرقدر تفاوت مثبت بین رضایت مورد انتظار از ازدواج و رضایت دریافت شده از موقعیت کنونی فرد بیشتر باشد، احتمال ازدواج زودرس بیشتر خواهد بود».

^۱ Dixon

^۲ Availabilit

^۳ Feasibility

^۴ Desirability

^۵ Duncan & Blau

^۶ Social exchange theory

^۷ Nye & Bartz

در میان نظریه‌های جمعیت‌شناسی مرتبط با ازدواج، نظریه گذار جمعیتی دوم^۱، مهم‌ترین نظریه است. این نظریه تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده‌های فرا مادی، یعنی تأکید بر استقلال فردی و خود تحقق بخشی را عامل تغییرات نوین خانواده تلقی می‌کند (عباسی شوازی، ۱۳۸۸، به نقل از حسینی، ۱۳۹۲). به‌طور کلی می‌توان گفت نظریه گذار جمعیتی دوم بر تأثیر هم‌آهنگ عوامل اقتصادی و اجتماعی (به‌ویژه تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان)، فرهنگی (دنیوی شدن)، و فناوری مدرن (جلوگیری از حاملگی) بر افزایش سن ازدواج تأکید دارد. این عوامل، در کنار یکدیگر ترجیحات و سلیق افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال دگرگونی داده و در نتیجه باعث افزایش سن ازدواج شده‌اند. (گنابی، ۱۳۹۰، به نقل از حاتم حسینی، ۱۳۹۲) بنابراین طبق نظریه گذار جمعیتی دوم، افزایش تصاعدی در خودمختاری فردی در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی اساس دگرگونی‌های صورت گرفته در تشکیل خانواده است. دنیوی شدن جنبش‌های بخش، گسترش ارزش‌های فرا مادی‌گرایی (نظریه توسعه شخصی و خودشکوفایی)، تردید نسبت به نهادها و افزایش بی‌تابی نسبت به دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی (از هر نوع منبع اقتدار) جزء جنبه‌های مختلف تحول در ارزش‌ها هستند که به نوبه خود باعث شده‌اند فرد بر طبق اراده آزاد خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد. (گنابی و غفاری، ۱۳۹۰).

پیشینه پژوهش:

بررسی مطالعات انجام شده در زمینه تأخیر در ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج، مجرد و ... نشان می‌دهد که طیف زیادی از متغیرها در این پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور کلی این متغیرها را می‌توان در چهار دسته متغیرهای کلان، جمعیت شناختی، فردی-نگرشی و خانوادگی دسته بندی کرد. در متغیرهای کلان اجتماعی متغیرهایی فرهنگی مانند ارزشهای فرهنگی ازدواج (جبرائیلی و همکاران ۱۳۹۳، مجدالدین و جمالی ۱۳۸۵) و تغییر دیدگاهها و ارزشها در جامعه (کلانتری و حسینی ۱۳۹۲، نقدی و بلالی ۱۳۸۹) از یک سو و متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم (کلانتری و حسینی ۱۳۹۲)، بیکاری (کلانتری و حسینی ۱۳۹۲، قدسی و همکاران ۱۳۹۶)، بحران‌های اقتصادی (نقدی و بلالی ۱۳۸۹، کجیاف و همکاران ۱۳۸۷)، درجه توسعه یافتگی زادگاه و محل سکونت (فیروز و همکاران ۱۳۹۳) از سوی دیگر و متغیرهای کلان جمعیت شناختی مانند گسترش شهرنشینی (کاظمی پور و توده فلاح ۱۳۸۹، کنعانی ۱۳۸۵، محمودیان ۱۳۸۵) و متغیرهای کلان اجتماعی مانند عدم حمایت‌های اجتماعی و دولتی (جعفری و چوبری ۱۳۸۵) مورد اشاره و توجه قرار گرفته‌اند.

در متغیرهای جمعیت شناختی عواملی مانند سن (حسینی و گراوند ۱۳۹۲)، میزان تحصیلات (فیروز و همکاران ۱۳۹۳، کلانتری و حسینی ۱۳۹۳، ضرابی و مصطفوی ۱۳۹۰، گنابی و ممینی ۱۳۹۰، کاظمی و نیازی ۱۳۸۹، میرسندسی و قلعه سفیدی ۱۳۸۹، کجیاف و همکاران ۱۳۸۷، قدسی و همکاران ۱۳۸۶، کنعانی ۱۳۸۵، جعفری و چوبری ۱۳۸۵، محمودیان ۱۳۸۵ و کاظمی پور ۱۳۸۵) و وضعیت اشتغال دختران (بحیرایی و حضرتی ۱۳۹۱، رضادوست و ممینی ۱۳۹۰، نقدی و بلالی ۱۳۸۹ و آستین فشان و هزار جریبی ۱۳۸۸) بر افزایش سن ازدواج تأخیر در تاهل موثر دانسته شده‌اند.

عمده متغیرهای موثر بر تأخیر در ازدواج متغیرهای فردی-نگرشی بوده است که طیف زیادی از متغیرها را شامل می‌شود. در این دسته متغیرهای وضعیتی مانند نداشتن شغل مناسب (جعفری و چوبری ۱۳۸۵)، پیدا نکردن زوج مناسب و ایده آل (کجیاف و همکاران ۱۳۸۷، قدسی و همکاران ۱۳۸۶)، دوستی قبل از ازدواج (کجیاف و همکاران ۱۳۸۷، فراهانی و همکاران ۱۳۹۳) و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی (فیروز و همکاران ۱۳۹۳، کاظمی و نیازی ۱۳۸۹) و متغیرهای نگرشی مانند نگرش به رابطه با جنس مخالف (فیروز و همکاران ۱۳۹۳) توقعات اقتصادی (کجیاف و همکاران ۱۳۸۷، کنعانی ۱۳۸۵، جعفری و چوبری ۱۳۸۵)، نگرش فرامادی به ازدواج (حسینی و گراوند ۱۳۹۳، گنابی و غفاری ۱۳۹۰)، نگرش نسبت به برابری جنسی (حسینی و گراوند ۱۳۹۳، رضادوست و ممینی ۱۳۹۰)، فردگرایی (حسینی و گراوند ۱۳۹۳)، گرایش به ادامه تحصیل (بحیرایی و حضرتی ۱۳۹۱، رضادوست و ممینی ۱۳۹۰)، بی‌اعتمادی به جنس مخالف (بحیرایی و حضرتی ۱۳۹۱، گنابی و غفاری ۱۳۹۰) و ترس از طلاق (کجیاف و همکاران ۱۳۸۷) را شامل می‌شود.

همچنانکه در بخش بیان مساله اشاره شد تحقیق مستقلی در ارتباط با نقش خانواده در تأخیر در ازدواج دختران انجام نشده است. البته در برخی از پژوهش‌های انجام شده به تعدادی از متغیرهای سطح خانواده که بر ازدواج، سن ازدواج و افزایش سن ازدواج موثرند اشاره شده است. در این زمینه دو دسته از متغیرهای سطح خانواده در مطالعات مورد بررسی قرار گرفته است. دسته اول متغیرهای مربوط به وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده است شامل پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده (فیروز و همکاران ۱۳۹۳، حسینی و گراوند ۱۳۹۳، کاظمی پور ۱۳۸۳) و

^۱ SDT (Second Demographic Transition)



وضعیت اقتصادی خانواده (فراهانی و همکاران ۱۳۹۲، بحیرایی و حضرتی ۱۳۹۱) می‌باشد. دسته دوم متغیرهایی است که به وضعیت فرهنگی خانواده نشأت گرفته است که شامل پدربزرگاری در خانواده (کلانتری و حسینی ۱۳۹۳)، سختگیری پیش از حد خانواده (کجباف و همکاران ۱۳۸۷)، ممانعت به خاطر برادر یا خواهر بزرگتر مجرد (جعفری و چوبری ۱۳۸۵)، نگرش خانواده به ازدواج (بحیرایی و حضرتی ۱۳۹۱) و اختلاف نگرش با والدین (فیروز و همکاران ۱۳۹۳) می‌باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر روش کیفی است و داده‌های کیفی به روش نمونه‌گیری کیفی هدفمند و نیز معیار اشباع نظری و با استفاده از تکنیک مصاحبه‌ی روایی در میان ۱۵ دختر در آستانه‌ی مجرد قطعی شهر مشهد گردآوری شده است. مصاحبه‌ها به صورت عمیق و بعضاً طی بیش از یک جلسه مصاحبه گردآوری شده است. با توجه به تاثیر بلند مدت خانواده سعی شد تا وضعیت خانوادگی آزمودنی‌ها از دوران کودکی آنها مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا شرایط خانوادگی موثر در شکل‌گیری پدیده تاخیر در ازدواج دختران به صورت فرایندی در چهار مرحله از زندگی آنان یعنی دوره کودکی، دوره نوجوانی، در سن ازدواج (جوانی) و در سن آستانه مجرد آنان مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نیز از روش کدگذاری باز و محوری با تاکید بر تشخیص انواع شروط موثر بر تاخیر در ازدواج دختران استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

محققان با بررسی چهار مرحله از زندگی دختران یعنی دوره کودکی، نوجوانی، در سن ازدواج و در آستانه مجرد با استفاده از مصاحبه‌های روایی، به پاسخگویی به سوالات تحقیق پرداختند. در این فرایند مفاهیم کدگذاری شده در مرحله کدگذاری باز، به ۴ مقوله عمده انتزاع یافتند. سپس در مرحله کدگذاری محوری مقولات استخراج شده، براساس پیوستار و منطق معنایی در قالب خط داستان با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و در نهایت، در مرحله کدگذاری گزینشی یک مقوله هسته استخراج شد.

جدول ۲. مفاهیم، مقولات عمده و محوری استخراج شده از مصاحبه‌های کیفی

دوره زندگی				مفاهیم (کدگذاری باز سطح اول)	مقولات عمده (کدگذاری باز سطح دوم)
دوره در آستانه تجرد	دوره جوانی و ازدواج	دوران نوجوانی	دوران کودکی		
√	√	√	√	انزوای اجتماعی خانواده	شروط زمینه‌ای
√	√	√	√	توجه ناپذیری روابط دختر و پسر خانواده	
	√			درون گرایی خانواده	
		√	√	سنتی بودن خانواده	
		√	√	مردسالار بودن خانواده	
	√			نگرش سنتی به ازدواج در خانواده	
√		√	√	اختلال رابطه‌ای با شبکه خویشاوندی	
	√			جلوگیری از ازدواج خواهر کوچکتر به دلیل عدم ازدواج خواهر بزرگتر	شروط تعاملاتی
√				تاثیرگذاری خانواده و اطرافیان در انتخاب	
√	√	√		تحت تاثیر خانواده بودن	
√	√	√		داشتن آزادی عمل و تصمیم‌گیری از طرف خانواده	
		√	√	دخالت خانواده در تصمیم‌گیری	
√	√		√	عدم استقلال در تصمیم‌گیری	
			√	عدم ارتباط عاطفی موثر بین والدین با دختران	
	√			داشتن آرامش کافی در خانواده	

شروط تسهیل کننده	داشتن جایگزین عاطفی				
✓					
شروط تشدید کننده	شرایط اقتصادی و مالی خانواده	✓			✓
	عدم رفتار مناسب خانواده با خواستگار	✓			
	وجود تجربیات ناخوشایند ازدواج در خانواده				✓
	مسئولیت پذیری زودهنگام در خانواده		✓		

مفاهیم و مقولات جدول فوق (جدول ۲) بیانگر مفاهیم، ایده‌ها، نگرش‌ها و معانی است که دختر در آستانهٔ مجرد قطعی شهر مشهد در رابطه با نقش خانواده در تأخیر سن ازدواج درک و بیان نموده‌اند. مفاهیم فوق از خلال مصاحبه‌ها ظهور یافته‌اند و سپس با دنبال کردن آن‌ها به اشباع نظری رسیده‌اند. مفاهیم و مقولات فوق در مرحله کدگذاری محوری به شرح زیر و در قالب یک خط داستان به هم مرتبط می‌شود. شروط زمینه‌ای

آن دسته از شرایط هستند که به شکل گسترده در خانواده وجود داشته است و به صورت ساختارهای فرافردی درآمده‌اند. به عقیده مکی (۱۹۶۵)، این شروط اغلب اجزای ضروری علیت هستند؛ صرفاً در تعامل با این شروط زمینه‌ای است که یک علت می‌تواند اثری داشته باشد (Mackie, 1965). این شرایط به شکلی عمیق و گسترده زندگی دختران در آستانه مجرد قطعی شهر مشهد را تحت تأثیر قرار داده است. داده‌های مشاهده ای نشان دادند که انزوای اجتماعی خانواده، فرهنگ سنتی خانواده و توجه‌ناپذیری روابط دختر و پسر در خانواده، در چهار مرحله از زندگی دختران یعنی دوره کودکی، نوجوانی، در آستانه ازدواج و در آستانه مجرد وجود داشته است. از سوی دیگر وجود دو عامل اساسی دیگر که در دوران کودکی و نوجوانی شرایط زمینه‌ای تأخیر در سن ازدواج دختران در آستانه مجرد قطعی را بوجود آورده است، شامل؛ مردسالاری در خانواده و تعصب خانواده به ارتباط اجتماعی دختر می‌شود. همچنین وجود ضعف در شبکه تعاملاتی خانواده در دوره نوجوانی دختران، اختلال رابطه‌ای با شبکه خویشاوندی در دوره نوجوانی و در آستانه مجرد قطعی، درون‌گرایی خانواده و جلوگیری از ازدواج خواهر کوچکتر به دلیل عدم ازدواج خواهر بزرگتر در آستانه سن ازدواج شروط زمینه‌ای تأخیر در سن ازدواج دختران در آستانه مجرد قطعی شهر مشهد را بوجود آورده است.

مهوش در رابطه با انزوای اجتماعی خانوادگی می‌گوید:

«ما کلاً تنها خانواده‌ای هستیم که توی مشهدیم، فکر کن خودمون همدیگرو داریم، اهل رفت و آمد هم نیستیم همیشه از خانواده‌هایی بودیم که با هم بودیم، توی خونه بودیم، نه اهل با هم بیرون رفتن و مهمونی، اصلاً، اصلاً نیستیم ۹۹ درصد وقتمون توی خونه». حکیمه در یک خانواده سنتی بزرگ شده و این طور توضیح می‌دهد:

«خانواده من سنتی بوده و هم چنان سنتی هستند. از خانواده‌هایی که دختر وقتی سبزی پاک می‌کرده انتخابش می‌کردن و یا از خانواده‌هایی هستند که دختر متانت داشته باشه، سرزبون دار نباشه، محجبه باشه».

فائزه در رابطه با توجه‌ناپذیری روابط دختر و پسر در خانواده بیان می‌کند:

«ما ارتباط بین دختر و پسر را از لحاظ شرعی بد می‌دونستیم».

حکیمه در رابطه با مرد سالار بودن خانواده‌اش می‌گوید:

«به علاوه اینکه خانواده مرد سالار بودن. همیشه مامان می‌گفتن (چون مرد سالاری بود) این کارو نکنین داییت بدش میاد یا اون کارو نکنین، جواب ندین بگن دختر حرافی دارن».

حکیمه توجه‌ناپذیری روابط دختر و پسر خانواده را این‌گونه بازگو می‌کند:

«خانواده‌ها ما را جدا کردن و هی تذکر دادن و گفتن تا ما جدا شدیم. و مادر و مادر بزرگم از همه بیشتر سخت‌گیری می‌کرد».

زینب در این رابطه می‌گوید:

«ما با فامیل زیاد رفت و آمد نداشتیم، بیشتر پدر و مادرم، رفت و آمد می‌کردند، چون فامیل ما از همون سن ۱۱، ۱۲ سالگی می‌گفتند فلان دختر که به این سن رسیده برای پسر ما خوبه دیگه، مامان من هم ما رو خیلی کنترل می‌کرد، اگر می‌خواستند برن شب نشینی خونه عموهام، چون عوهای من همه پسر داشتند اندازه ما یا حتی دایی‌هام، مامانم میگفت شماها توی خونه باشید، من و بابات میریم مگه اینکه عید بود یا جشن عروسی بود با هم می‌رفتیم».



نسیم در مورد اختلاف با فامیل بیان می‌کند:

«من سه یا چهار مورد تو فامیل قطع رابطه داشتیم. مثلاً نوه عمه ام بود قطع رابطه کردیم. کامل رفتن حتی یه جاهایی یه بازخوردهایی روی خواستگاریهای بعدی داشتیم. یه خرابکاریهایی کردن تو تحقیقات خواستگاری ازم بد گفته بودن که رو خواستگاری خیلی تاثیر داشت. اصلاً جلسه خواستگاری رسمی که نبود. میومدن میشستن که ما میخوایم بیایم صحبت کنیم دور هم ولی خب خودشون اومدن ما اونجا صحبت کردیم همه چیز تموم شده بود ولی یک سال و نیم اینا طول دادن هی میرفتن هی میومدن ولی باز هم من نتونستم بهشون فکر کنم.»

نیره در مورد اختلال رابطه‌ای با شبکه خویشاوندی خود می‌گوید:

«مادرم توسط مادرشوهر و خواهرشوهرش اذیت می‌شد. خیلی پدر مامانم رو در آوردند یعنی زندگی مامان من میتونه یک کتاب بشه، موقعی که من راهنمایی میخوندم فهمیدم کلاً یک مدتی افسردگی گرفتم انقدر که برای مامانم گریه کردم خیلی زندگی بد که منجر شد عاطفه و محبتش به بابام از بین رفت. ولی چون یه درگیری‌هایی داشتیم بین خانواده مادری و خانواده پدری تنش‌ها خیلی زیاد بود. بابام مامانم رو خیلی دوست داشت مامانم نه. بعنوان فامیل خیلی دوستش داره ولی به عنوان همسر دوستش نداشت، شاید این مشکل در روابط زناشویی اونا هم بود.»

کیمیا جلویی از ازدواج خواهر کوچکتر به دلیل عدم ازدواج خواهر بزرگتر در آستانه سن ازدواج را مانعی برای ازدواجش می‌داند: «اینکه رسماً بیان خونمون از وقتی دیپلم گرفتم. اونها یکی از همسایه‌ها بود که بعد بابام گفت نه، خواهر بزرگترش توی خونه است. اولین خواستگار من ۱۵ سالگی بود قبل از خواهر بزرگترم»

نرگس نیز می‌گوید: «میخواستیم بریم مهمونی چون خواهرهام دوتا بزرگتر بودند و ما کوچکتر بودیم، همیشه مامانم میگفت که، آره دیگه شما دوتا برید شما رو پسند کنند اون دوتا دخترهام توی خونه بموندن، مردم چی میگن. همیشه مامانم همین رو میگفت. من یکی از معزل‌های بزرگ زندگی من این بود که خواستگار که می‌اومد چون خواهر بزرگتر داشتیم اجازه نمیداد مامان.»

نسیم می‌گوید:

«خواهر من از این نظر فکر می‌کنم خیلی شکننده تر بود و ترجیح میدادم که اون اول بره. من چون خواهر بزرگم هم تو خونه بود بابام هم به خاطر خواهر بزرگم هم به خاطر اینکه گفت این کوچیکه نمی‌دم. خب من تا سال سوم لیسانس که خواهرم بود یکی از دلایلم واقعا همین بود که نمی‌خواستم احترام خواهرم را زیر پا بذارم. هر چند که خودم خواهر بعدیم را گذاشتم ازدواج کنه ولی اون زمان فکر میکردم از نظر احساسی ضربه می‌خوره.»

در نهایت درون‌گرایی خانواده در آستانه سن ازدواج یکی دیگر از شرایطی است که تأخیر در سن ازدواج دختران در آستانه مجرد قطعی شهر مشهد را بوجود آورده است. بطور مثال مهوش «اهل درد دل نکردن» را برمی‌شمارد.

شروط تعاملاتی

مقوله عمده استخراج شده دیگر «شروط تعاملاتی» است. در این مقوله بسترهای تعاملاتی که بر تأخیر ازدواج دختران مرتبط بوده قرا گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بعضی از این شرایط معمولاً در بیش از یک دوره زندگی و شاید در تمام سنین به عنوان مانعی برای ازدواج دختران عمل کرده است. این شرایط عبارتند از:

عدم ارتباط عاطفی موثر بین والدین با دختران در دوران کودکی.

مسئولیت‌پذیری زودهنگام در خانواده از شرایط تعاملاتی دوران نوجوانی

دخالت خانواده در تصمیم‌گیری در سن نوجوانی و در آستانه سن ازدواج

عدم استقلال در تصمیم‌گیری در دوران کودکی، در آستانه سن ازدواج و در آستانه مجرد قطعی

تحت تأثیر خانواده بودن و آزادی عمل در تصمیم‌گیری در دوران نوجوانی در آستانه سن ازدواج و در آستانه مجرد قطعی.

و در نهایت تأثیرگذاری خانواده و اطرافیان در انتخاب افراد در آستانه مجرد قطعی.

این شرایط تعاملاتی در هر یک از دوران زندگی شامل دوره کودکی، نوجوانی، در آستانه ازدواج و در آستانه مجرد بصورت متفاوت عمل کرده و سن ازدواج دختران را به تأخیر می‌اندازد.

فانزه درباره رابطه‌اش در دوران کودکی با پدر و مادر خود این چنین می‌گوید:

«با پدرم رابطه‌ای نداشتیم، چون خیلی بزرگتر بودن.»

نرگس در این زمینه می‌گوید:

«مادرم خیلی آدم مغروری، منضبط... فقط روز مادر یا ایام عید، یا عادی همه روبوسی می‌کردند، همه تو صف روبوسی می‌کردند ما هم توصف و امیستادیم میبوسیدیم تمام میشد. ولی هیچ موقع از روی دل که واقعا بخوام بغلش کنم بیوسمش تو زندگیم اتفاق نیفتاده، این اجازه رو بهمون نمیده.»

مرجان نیز در مورد رابطه اش با پدر و مادرش و خواهرانش می‌گوید:

«ببینید رسمی و محترمانه هست. من نه حتی توی کلام هم یادمه از همون کوچیکی با شما خطاب میکردم هیچ وقت به مامانم نگفتم تو یا قربونت برم از واژه‌های عزیزم و اینا استفاده نمی‌کنم تو رفتارم. خواهرام ابدأ من و نمیبوسن کنارشون بخوابم و نازش بکنم اصلا اینجوری نیستم. تو یک اتاقیم‌ها مثل الان که من و شما تو یک اتاق هستیم و هر کسی به کار خودش مشغوله.»

نرگس در مورد دخالت خانواده‌اش در تصمیم‌گیری می‌گوید:

«مامانم با تمام این موارد بازم افکار سنتی داره. افکار سنتیش رو نمیتونه ترک کنه، بخاطر خانواده سنتی که داریم این مشکلات پیش میاد. خیلی‌ها که زنگ میزدند اصلا مامانم گفته که دختر نداریم اشتباه بهتون شماره تلفن دادند. دو تا کیس جالب بود که مامانم رد کرد من خودم رد نکردم.»

همچنین هاید ه مسئله مسئولیت‌پذیری زود هنگام در خانواده‌اش را عامل مهمی بر سر راه ازدواج خود می‌داند:

«چون بچه اول بودم کلاً مسئولیت خیلی زود رو شونه‌ها گذاشتن مامانم میگن تو زود بزرگ شدی. چون نوه اولم بودم بیش تر جمع خاله‌ها، زن دایه‌ها و مامانم بودن»

عدم استقلال در تصمیم‌گیری نیز از شرایطی تعاملاتی است که در آستانه سن ازدواج و در آستانه مجرد قطعی زندگی دختران جوان را تحت تأثیر قرار داده است. فائزه می‌گوید:

«من که رد نکردم همه اینها رو خانواده رد کردن. تا سن ۲۴ و ۲۵ سالگی هر خواستگاری میومده خانواده رد میکردن و من هیچ تصمیم نمی‌گرفتم و همیشه خانواده و به من نمیرسید و بین بزرگترها یک جور صحبت میشد که همونجا ختم میشد. هیچ موقع به شخص پسر یا شخص دختر نمیرسید»

مهديه خود را تحت تأثیر خانواده می‌داند: «خانواده خیلی تأثیر داشته حداقل خانواده من خیلی تأثیر داشته اند». مرجان نیز در این باره می‌گوید:

«من در تصمیماتم تحت تأثیر خانواده ام هستم»

برعکس موارد ذکر شده، هستند دخترانی که داشتن آزادی عمل در تصمیم‌گیری از طرف خانواده، را عامل به تأخیر افتادن سن ازدواج خود می‌دانند، این خانواده‌ها عموماً به لحاظ فکری و نگرشی نسبت به گذشته تغییرات چشمگیری را تجربه کرده‌اند. کیمیا می‌گوید:

«پدرم در عین اینکه یک جورایی سخت گیر هستند، ولی وقتی خاستگار میاد که میخوام من صحبت کنم هیچ چیز نمیگن، میگن هرچقدر میخواید صحبت کنید که فردا نیایی بگی من اینو هیچ صحبتش رو نشنیدم قیافش رو ندیدم و... دیگه کامل صحبت کن که با یقین جواب بله بهشون بدی»

هایده می‌گوید:

«من خودم که خیلی اینجوریم یعنی یه جاهایی خودم ملاحظه می‌کنم... بابام میگه کیش بریم بابا اگه میخوای برات بلیط بگیرم تا اینقدر بلیط برات بگیرم خوب میگم آخه من تنهام برم کیش که مات میشم»

تأثیرگذاری خانواده و اطرافیان در انتخاب افراد در آستانه مجرد قطعی نیز به عنوان شرط تعاملاتی دیگر بر سر راه ازدواج است. نرگس در مورد تأثیر خانواده اش می‌گوید:

«کلمه‌ای همیشه مامانم بکار میبره، می‌گه هر موقع از زندگی سیر شدی برو ازدواج کن، هر موقع تمام خوشی هات رو توی زندگی کردی، هر موقع دیگه هیچی تو زندگی لازم نداشتی بخوای از زندگی سیر بشی برو ازدواج کن»

کیمیا هم می‌گوید: «الآن که اطرافیان رو میبینم، دوستان، آشناها، همه یا طلاق یا یکجورایی ذهنیت منفی شده»

شروط تشدیدکننده

شروط تشدیدکننده، مقوله‌ای است که براساس آن افراد جامعه مورد نظر به لحاظ توانایی‌ها، آگاهی‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌ها دچار نوعی تحول منفی می‌شوند. این مقوله عمده خود را در دوران مختلف زندگی به صورت‌های مختلفی آشکار می‌کند. مصاحبه‌شونده‌ها بر این باورند که عدم

رفتار مناسب خانواده با خواستگار در دوران نوجوانی و در آستانه سن ازدواج، شرایط اقتصادی و مالی نامناسب خانواده و شرایط نامساعد زندگی خانوادگی نظیر طلاق خواهر بزرگتر در آستانه ازدواج و در آستانه مجرد قطعی، باعث تأخیر در سن ازدواج و تأثیرگذاری بر آن شده است. فائزه می‌گوید:

«بابام هم نسبت به خواستگاری که می‌آمد خیلی بد برخورد میکرد بعد برا همون انگاری برای همون که اصلا این حرف و بالا نیارن دیگه اصلا انگار در نطفه خفه شد دیگه»

شرایط نامناسب خانوادگی‌اش را اینگونه توضیح می‌دهد:

«داداش من مریض بود و همه رو جاسوس می‌دونست، فقط خانواده رو جاسوس نمی‌دونست، حتی دایی هام، شوهر خاله هام می‌گفت با اینا اصلا رفت و آمد نکنیم، همه رو، تا قبلش جونش در می‌رفت برای همه، اینجا از همین شهرک دوست‌هایی داشت که جونشون در می‌رفت برای هم بعد اینطوری شد. بعد که این طوری شد این گذشت و من دیپلم هم گرفتم، من فکر می‌کردم آدم دیپلم می‌گیره وارد خونه شوهر می‌شه اصلا عقلم نمی‌رسید. تا این که یک خواستگار اومد دیگه داداشم شنید بعد صدام کرد و گفت قبول نکنی بیان ها، بعد مامانم گفت راستش محمد این طوری می‌گه من چکار کنم، اگر اون بیاد این روانش بدتر بشه بعد من چکار کنم، یک روز مامان با من صحبت کرد گفت ببین مهشید خاستگار میاد برای دختر محمد هم این طوری شده اگر تو ازدواج بکنی، مامان من همیشه می‌گه که اینطوری اون موقع به عقل من رسید شاید کارم هم اشتباه بود ولی اینطوری عقلم رسید گفت تو اگر ازدواج بکنی خیلی اصلا کلا چیز میشه».

فائزه شرایط بد اقتصادی خانواده خود را برمی‌شمارد:

«خانواده مهم بوده. اونها اگه راهکار درستی برای این کار می‌داشتن هیچوقت به این جا نمی‌رسید یا مثلا اون زمان براشون خیلی مهم بود که جهازه‌ای که می‌خواستن درست کنن خیلی سخت بود و الان خیلی آسون شده و وام میگیرن و نمیدونم ازین و رو و ازون ور درست میشه نه اینکه ما هیچ کدوممون کار نمی‌کردیم الان چون کار می‌کنیم راحت تره برامون اما اونجا چون فشار روی پدر بود با اون جمعیت زیاد براشون خیلی سخت بود و فکر ازدواج براشون یکی از سختی‌ها بود که می‌خوان جهاز درست کنن و زیاد بهش فکر نمی‌کردن که می‌خوان دختر شوهر بدن».

یکی دیگر از شروط تشدید تأخیر در سن ازدواج، وجود تجربیات ناخوشایند ازدواج در خانواده بویژه وجود خواهر مطلقه در خانواده است. هدی در مورد ترس از ازدواج به خاطر طلاق اطرافیان‌اش این طور توضیح می‌دهد:

«من اون موقع ۲۰ سالم بود، خواهرم ۱۸ سالش بود، اون یکی دخترخاله هم ۱۹ سالش بود، همین طوری پشت سرهم هستیم خواهرم که ازدواج کرد از من کوچکتتر بود، عاشق یک یارو شد ازدواج کرد، بچه اش شد ۲ ماهه یک سال هم نشد که ازدواج کرد، بچه اش ۲ ماهه شد جدا شد. خواهر من ازدواج کرد بلا فاصله دخترخاله هم ازدواج کرد، این‌ها با من هم سن و سال هم بودیم ما، اون که جدا شد، اون هم جدا شد. دختر خالیم از اون طرف جدا شد من حالا مونده بودم که خدایا چیکار کنم ازدواج کنم حتما ۱۰۰ درصد این اتفاق برای من هم می‌افته این بود که مشکل من شد این دوتا این قضیه براشون پیش اومد من هم کلا ترسیدم، اسم خاستگار می‌ومد جیغ و داد می‌زدم که اصلا حرفش رو هم ننزید راهش نندید. دیگه خیلی وسواس شدم به خاطر این قضیه، ترس دارم، انقدر که دور و اطرافم دیدم می‌ترسم».

شروط تسهیل‌کننده

وجود این شرایط در جامعه مورد مطالعه به عنوان پیامدهای آن در حوزه خانواده، موضوعی بسیار مهم است. این شرایط در قالب مفاهیم و مقولاتی داشتن آرامش کافی در خانواده و داشتن جایگزین عاطفی در خانواده تجسم یافته است. به عبارت دیگر این شرایط در تأخیر در سن ازدواج نقش تسهیل‌کننده دارند و بار عاطفی، روانی و... تأخیر در سن ازدواج را برای دختران و خانواده‌های آنان می‌کاهد:

هدی در زمینه داشتن جایگزین عاطفی‌اش بیان می‌کند:

«مامانم همیشه میگه بزار همه برن تو با من زندگی کنی مامانم، انقدر پشت بچه هاش هست خدا رو شکر، الحمدلله نه اینکه توی سرشون بزنی نه بگه چرا اینطوری شد، نشد بخواد حسرت بخوره».

هم چنین هاید می‌گوید: «بیشتر سعی می‌کردم اون نیازهای عاطفی با خانواده باشه. الحمد... از لحاظ خانوادگی پدر و مادرم خیلی مهربون هیچ چی نه از لحاظ مالی نه محبتی، عاطفی، روحی برام کم نداشتن»

هلنا هم در این زمینه این طور بیان می‌کند:

«بیشتر با خانواده هستم . بچه‌های خواهر - برادر هستم ، ولی با خواهر - برادرم خیلی عالی . مخصوصا با یکی از خواهرام (دبیر علوم) همه زندگی من ، مشکلات من رو ایشون در جریان . بیشتر درد و دلهایم با خواهرمه».

مطالب فوق مهمترین مقولات مستخرج در خصوص نقش خانواده در تأخیر سن ازدواج در بین دختران در آستانهٔ مجرد قطعی شهر مشهد را به اختصار بیان داشت. مباحث ارائه شده فوق، در قالب خط داستان نشان داد که تأخیر در سن ازدواج تحت چه شرایط زمینه‌ای، تعاملاتی، تشدیدکننده و تسهیل‌کننده عمل کرده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همچنانکه نتایج تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد خانواده نقش مهمی در تاخیر ازدواج دختران دارد. آنچنانکه برخی از این دختران خانواده خود را بعنوان مهمترین مقصر در تجردشان ذکر کرده‌اند. زمینه و بستر اجتماعی - فرهنگی خانواده که بعنوان بستر تعاملات اجتماعی اعضای خانواده محسوب می‌شود نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری مناسبات منجر به بالا رفتن سن ازدواج و در نهایت مجرد قطعی دختران دارد. خانواده‌هایی که مناسبات سنتی مردسالارانه بر آنها حاکم است در تعاملات خود نقش تعیین‌کننده‌ای به کدها و نگرش‌های سنتی داده و قدرت تصمیم‌گیری صحیح را از دختران می‌گیرند. در نتیجه عدم استقلال در تصمیم‌گیری و تحت تأثیر دیگران بودن در کنار توجه به ملاک‌های سنتی مانند عدم رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج و عدم ایجاد یک رابطه عاطفی مناسب با والدین زمینه را برای مجرد دختران فراهم می‌سازد. در بعدی وسیع‌تر از خانواده یعنی نظام خویشاوندی نیز که در ساختار سنتی مهمترین منبع آشنایی و ازدواج محسوب می‌شود، اختلال رابطه‌ای بشدت بر فرایند زودواج دختران تأثیر گذار است.

در کنار این شرایط وضعیت اقتصادی و مالی خانواده و مشکلات تهیه جهیزیه و برگزاری مراسم، عدم رفتار مناسب خانواده با خواستگار و وجود تجربیات ناخوشایند ازدواج در خانواده بویژه وجود خواهران یا اقوام نزدیک مطلقه فرایند تصمیم‌گیری برای ازدواج را برای این دختران سخت‌تر می‌کند و فرایند مجرد قطعی را تشدید می‌نماید. البته در مواردی داشتن آرامش کافی در خانواده و داشتن جایگزین عاطفی در خانواده باعث می‌گردد تا وضعیت مجرد دختران تسهیل و این فرایند ادامه یابد.

پیشنهاد‌های سیاستی

با توجه به نتایج بدست آمده از مطالعه پیشنهاد می‌گردد تا به منظور تسهیل در ازدواج دختران در کنار آموزش‌های پیش از ازدواج به دختران و پسران، آموزش‌هایی نیز به خانواده‌ها داده شود. این آموزش‌ها می‌تواند در قالب دوره‌های آموزشی در مقاطع دبیرستان یا برنامه‌های گفتگو محور رادیو و تلویزیونی اجرا گردد.

همچنین پیشنهاد می‌شود در قالب کارگاه‌هایی نحوه اتخاذ تصمیم و شرایط تصمیم‌گیری صحیح به دختران آموزش داده شود. همچنین مخاطرات ناشی از مجرد قطعی و بالا رفتن سن ازدواج در قالب کتاب‌های درسی یا جزوات آموزشی به دختران و خانواده‌های آنان آموزش داده شود.

منابع

- آزاد ارملی، تقی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- آستین فشان، پ. هزارجریبی، ج. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی، موثر بر میانگین سن ازدواج زنان در دههٔ گذشته "۵۵-۸۵". برنامه‌ریزی رفاه و توسعهٔ اجتماعی، ۱ (۱): ۱۲-۳۲.
- ایران محبوب، ج.، مختاری، م. (۱۳۸۵). رویکرد جریان زندگی در مطالعه ازدواج جوانان در ایران. فصلنامه جمعیت، ۵۷ و ۵۸: ۸۱-۱۱۵.
- بحیرائی، ا.، حضرتی صومعه، ز. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی موثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر (مورد مطالعه: دانشجویان شاغل به تحصیل سال در ۱۳۹۰، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۲ (۴).
- جبرائیلی، ه.، طاهری، م. (۱۳۹۳). نقش ارزش‌های فرهنگی در ترجیح‌های سن ازدواج و تفاوت سنی زوجین، روان‌شناسی تحولی-روان‌شناسان ایرانی، ۴۰: ۳۲۱-۳۲۹.
- جعفری، م.، چوبری، ع. (۱۳۸۵). تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت. نامه جمعیت‌شناسی، ۸۹-۱۰۹.
- چیل، د. (۱۳۸۸). نگرشی جامعه‌شناختی به خانواده‌ها در نیای امروز، مترجم مهدی لیبی، نشر افکار، تهران.
- حسینی، ج.، گراوند، م. (۱۳۹۲). سنجش عوامل موثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن ازدواج در شهر کوهدشت. زن در توسعه سیاست، ۱: ۱۰۱-۱۱۸.
- رضا دوست، ک.، مبنی، ا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تاخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعدای دیگر از متغیرها در زنان شاغل، دوفصلنامه مشاوره کاربردی، ۱: ۱۰۵-۱۲۲.
- صادقی، ر.، قدسی، ع.، افشارکهن، ج. (۱۳۸۶). والوی مسئله ازدواج و اعتبار سنجی یک راه حل. پژوهش زنان، شماره ۸۳-۱۰۸، ۱.

- ضرابی، و.، مصطفوی، ف. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۱ (۴)، ۳۳-۶۴.
- فراهانی خلج آبادی، ف.، کاظمی پور، ش. و رحیمی، ع. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران، خانواده پژوهی، ۹، ۷-۲۸.
- کاظمی پور، ش. (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن. پژوهش زنان، ۲ (۳)، ۱۰۳-۱۲۴.
- کاظمی پور، ش.، توده فلاح، م. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر نوسازی بر سن ازدواج باتاکید بر شاخص‌های جمعیت شناختی ازدواج در سطح کشور و استان منتخب ۱۳۸۵. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۳ (۸)، ۱۰۶-۱۳۱.
- کاظمی، ز.، نیازی، ص. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره دوم، ۲۳-۳۰.
- کاوه فیروز، ز.، کاظمی پور، ش. و رنجبر، م. (۱۳۹۳). تعیین کننده‌های اجتماعی-جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن در تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران)، زن در توسعه و سیاست، ۳: ۴۴۹-۴۶۸.
- کجیاف، م.، لطفی، ز.، پور اعتماد، ح. و توکلی، م. (۱۳۸۷). تحلیل کیفی تجربه‌های ناخوaste در دختران و پسران، خانواده پژوهی، ۴: ۱۲۳-۱۳۲.
- کریمی قهی، م.، ت.، پای نژاد، ش. (۱۳۹۱). زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی تک زیستی دختران. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، شماره ۲۱، ۷۸-۱۰۹.
- کلانتری، م.، حسینی، ن. (۱۳۹۲). بررسی تاخیر سن ازدواج در بین دانشجویان. فصلنامه مطالعات افکار عمومی، شماره هفتم، ۱۵۰-۱۸۶.
- کنعانی، م. (۱۳۸۵). پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱: ۱۰۴-۱۲۳.
- کوششی، م.، قربانی، ز. (۱۳۹۱). مطالعه جمعیت شناختی تاثیر جوان همسری بر ازدواج دختران. مطالعات زنان، ۱۰ (۲): ۱۰۹-۱۳۴.
- کتابی، ح.، غفاری، غ. (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج، زن در توسعه و سیاست، ۱: ۷-۳۴.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی، مترجم منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- مجد الدین، ا. (۱۳۸۵). بررسی و دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی، پژوهشنامه علوم انسانی، ۵۳: ۳۷۵-۳۸۶.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. نامه علوم اجتماعی، ۲۴: ۲۷-۵۳.
- مرادی، گ.، صفاریان، م. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، شماره ۷، ۸۱-۱۰۸.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج سرشماری جمعیت کشور، مرکز آمار ایران، تهران.
- مهدوی، م. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- میرسندسی، س.، قلعه سفیدی، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آنها و راهکارهای پیشگیری از آن با تاکید بر رویکرد اسلامی. فصلنامه فرهنگی دفاعی زنان و خانواده، شماره ۱۷، ۱۷۹-۲۰۴.
- نقدی، ا.، بلالی، ا. (۱۳۸۹، ۷۸-۹۴). مساله اجتماعی خاموش و نامرئی: کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی. توسعه روستایی، شماره دوم.
- نیک منش، ز.، کاظمی، ی. (۱۳۸۵). علل و راه حل‌های تاخیر در ازدواج جوانان. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۷۷-۹۴.
- Bartz, K. W & „Nye, F. I. (1970). Early Marriage: A Propositional Formulation. Journal of Marriage and Family, 268-258(2) 32.
- Dixon, R. B. (1971). Explaining Cross-Cultural Variations in Age at Marriage and Proportions Never Marrying. Population Studies, (2)25 233-215.